

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۸ فروردین ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۲ شعبان ۱۴۴۱

جلسه: ۳۵

موضوع کلی: فصل فی أحكام الجبائر

موضوع جزئی: حکم جبیره در محل مسح

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۵۹۵ بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، اگر جبیره در موضع مسح باشد و برداشتن آن و مسح بر بشره ممکن نباشد، لکن تکرار ریختن آب به اندازه‌ای که آب به محل مورد نظر برسد، ممکن باشد، آیا تکرار آب لازم است تا به محل برسد [و به عنوان مسح حساب شود] یا باید بر جبیره مسح شود [و ریختن آب لازم نیست]؟ دو وجه دارد و مقتضای احتیاط که جمع بین هر دو است، ترک نمی‌شود. عرض شد که در رابطه با این مسأله وجوهی متصور است که در جلسه گذشته به دو وجه در این رابطه اشاره شد.

عده‌ای برای وجه دوم [تکرار الماء یا غمس در آب] به موثقه عمار تمسک کرده‌اند؛

وَبِالْإِسْنَادِ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الرَّجُلِ يَنْكَسِرُ سَاعِدُهُ أَوْ مَوْضِعٌ مِنْ مَوَاضِعِ الْوُضُوءِ، فَلَا يَقْدِرُ أَنْ يَحُلَّهٖ لِحَالِ الْجَبْرِ إِذَا جَبَرَ، كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: «إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَوَضَّأَ فَلْيَضَعْ إِنْاءً فِيهِ مَاءٌ وَ يَضَعْ مَوْضِعَ الْجَبْرِ فِي الْمَاءِ حَتَّى يَصِلَ الْمَاءُ إِلَى جِلْدِهِ وَ قَدْ أَجْزَأُ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَحُلَّهٖ»^۱.

امام صادق (ع) در روایت مذکور در رابطه با شخصی که ساعد او یا موضعی از مواضع وضو شکسته است که هنگام وضوگرفتن موضعی را که جبیره دارد در آب فرو ببرد تا آب به بشره برسد.

گفته‌اند که از این روایت استفاده می‌شود که در فرضی که در محل مسح جبیره است و برداشتن آن جبیره ممکن نیست، ولی امکان فرو بردن آن موضع در آب وجود دارد باید آن محل در آب فرو رود تا آب به بشره برسد.

اشکال به استدلال به موثقه عمار

اشکال این است که در روایت مذکور، سخن این است که شخص نمی‌تواند جبیره را باز کند و گویا سائل این توهم را داشته است که در حال وضو حتماً لازم است که جبیره باز شود و اگر باز کردن آن ممکن نباشد، وظیفه‌اش چیست؟ و پاسخ امام صادق (ع) که فرموده است: «حَتَّى يَصِلَ الْمَاءُ إِلَى جِلْدِهِ» قرینه بر این است که جبیره در موضع غسل بوده است زیرا اگر جبیره در محل مسح بود، ایصال آب به آن واجب نبود زیرا آنچه در مسح لازم است رساندن رطوبت به محل مسح است و رساندن آب به آن لازم نیست، بنابراین، از کلام امام (ع) فهمیده می‌شود که جبیره در موضع غسل بوده و در موضع مسح نبوده است، بنابراین، روایت مذکور مربوط به جبیره‌ای است که در موضع غسل باشد و به محل بحث که جبیره در موضع مسح است مربوط نمی‌شود. البته در باب تقیه این سخن مطرح است که اگر کسی در موردی مجبور به تقیه شد و از باب تقیه بخواهد بر پایی که جبیره دارد مسح کند

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۵، ح ۷.

باید بر طبق مسلک عامّه عمل کند و چون عامه پا را نیز می‌شویند، در صورتی که امکان برداشتن جبیره نباشد و فرو بردن آن در آب ممکن باشد، شخص پایش را در آب فرو می‌برد تا آب به بشره برسد، اما روایت موثقه مذکور، به تقیه مربوط نیست چون تقیه دلیل خاص خودش را دارد و با بحث مورد نظر که در محل مسح جبیره‌ای وجود دارد که امکان برداشتن آن نیست، ارتباطی ندارد. در نتیجه موثقه مربوط به موردی است که جبیره در محل غسل باشد و برداشتن آن ممکن نباشد و وصول آب به بشره با تکرار الماء یا غمس وجود داشته باشد و جبیره در محل مسح را شامل نمی‌شود.

وجه سوم: جمع بین مسح بر جبیره و تکرار الماء یا غمس در آب

مرحوم سید (ره) فرموده است که احتیاط این است که بین مسح بر جبیره و تکرار الماء یا غمس در آب جمع شود، یعنی شخص بر جبیره‌ای که در محل مسح وجود دارد و برداشتن آن ممکن نیست، مسح کند و علاوه بر مسح، ریختن آب را تکرار کند یا موضع مورد نظر را در آب فرو برد تا آب به بشره برسد.

دلیل حکم مذکور در کلام مرحوم سید (ره)، مبنی بر احتیاط و جمع بین مسح بر جبیره و تکرار الماء یا غمس در آب، وجود علم اجمالی است زیرا شخص علم اجمالی دارد که یا تکرار الماء و غمس در آب بر او واجب است یا مسح بر جبیره بر او واجب است و از سوی دیگر تیمم واجب نیست چون تیمم به موردی مربوط است که وضوگرفتن امکان نداشته باشد، در حالی که در فرض مورد نظر وضوگرفتن ممکن است، بنابراین، در فرض مذکور که شخص علم اجمالی دارد، هم مسح بر جبیره می‌کند و هم ریختن آب را تکرار می‌کند یا موضع مورد نظر را در آب فرو می‌برد تا یقین کند که تکلیف واقعی را اتیان کرده است.

اشکال وجه سوم، این است که احتیاط و جمع بین مسح بر جبیره و تکرار الماء یا غمس در آب در صورتی است که گفته شود که اخبار متقدمه که در جلسات گذشته ذکر شدند، اطلاق ندارند تا فرض تمکّن مکلف از ایصال الماء به بشره را شامل شوند، در صورتی که روایت عبدالله بن سنان و صحیحہ حلبی [که قبلاً ذکر شدند و] مسأله مسح بر جبیره را مطرح کرده بودند اطلاق داشتند و حتی فرض امکان رساندن آب به بشره را نیز شامل می‌شدند، ولی در عین حال این روایات بحث مسح بر جبیره را مطرح کرده بودند، پس امام (ع) با وجود اطلاق روایات، مسأله مسح بر جبیره را مطرح کرده است، بنابراین جایی برای مطرح کردن مسأله ایصال الماء با تکرار ریختن آب یا غمس در آب باقی نمی‌ماند.

بنابراین، با توجه به بررسی وجوه مذکور، نتیجه این است که در فرضی که در محل مسح جبیره باشد و امکان برداشتن آن وجود نداشته باشد و ایصال الماء به بشره ممکن باشد، وظیفه این است که شخص مسح بر جبیره کند [مشروط به اینکه آن جبیره پاک باشد و نجاستی نداشته باشد] و نیازی به ایصال الماء به بشره نیست و احتیاطی که مرحوم سید (ره) ذکر کرد جایی ندارد، هر چند که این احتیاط در رابطه با جبیره‌ای که در موضع غسل باشد و ایصال الماء به بشره ضرر نداشته باشد، پسندیده است.

«الحمد لله رب العالمین»